

در حال حاضر  
افغانستان غیر  
از ایران و رود  
هیرمند، با هیچ  
کدام از کشورهای  
همسایه‌اش برای  
سایر رودخانه‌های  
مرزی خود،  
قراردادی ندارد و  
این می‌تواند موجب  
اختلاف‌های  
دائمی بین آنها بشود

## آیا افتتاح و آبیگری سد کمال‌خان قابل پیشگیری نبود؟ آیا با توجه به معاهده ۱۳۵۱ هیرمند، نمی‌شد از طریق کمیساران آب هیرمند طوری عمل کرد که اصلاً این سد افتتاح یا ساخته نشود؟

من از ابتدای بحث تشکیل کمیساران حضور داشتم، حدود بیست سال است که به عنوان کارشناس یا کمیسار و هم اکنون نیز به عنوان معاون کمیسار خدمت می‌کنم. دو بخش اصلی را باید مجزا از هم ببینیم، یکی بحث تشکیل کمیساران و روند اجرایی معاهده هیرمند است و دیگری تأسیسات سد انحرافی کمال‌خان. درباره بحث کمال‌خان و کارکردهای این سد، هم برای ایران و هم برای افغانستان ملاحظات زیادی وجود دارد. اگر بخواهیم به دید جامعی دست پیدا کنیم باید عام‌تر از حوزه وزارت نیرو، کمیساران و حتی یک ایرانی نگاه کنیم زیرا این موضوع کل منطقه پایین دست رودخانه هیرمند در دو کشور ایران و افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرچه طبق ماده ۵ معاهده هیرمند طرف افغانستان حق ندارد اقدامی انجام دهد که ایران را بعضاً یا کلاً از حقایق خودش محروم سازد و عملکرد این سد طی دو سال گذشته عملاً نقض‌کننده این بند معاهده محسوب می‌شود.

من وارد سابقه تاریخی شاید بیش از صد ساله حقوقی بین ما و افغانستان نمی‌شوم، اما در حال حاضر قرارداد ۱۳۵۱ هیرمند براساس مطالعات کمسیون دلتا به عنوان یک سند حقوقی رسمی بین دو کشور پذیرفته شده، به طوری که هم دولت‌ها امضا کردند، هم پارلمان‌های دو کشور صحنه گذاشتند، البته تا اوایل دهه هشتاد، معاهده اجرا نشده بود. این موضوع شاید ناشی از رویدادهای سیاسی دو کشور هم بوده یعنی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در ایران و در آن طرف هم اشغال افغانستان توسط شوروی سابق و کودتاهای بعد از ظاهرشاه باعث شده بود تا شرایط برای اجرای معاهده فراهم نباشد ولی در دهه هشتاد به چند دلیل این معاهده عملیاتی شد، هم شرایط اقلیمی و خشکسالی‌ها باعث شد که وارد این موضوع شویم، هم دولت‌هایی که تشکیل شده بودند به دنبال این بودند که قراردادهای فیما بین از جمله معاهده ۱۳۵۱ هیرمند را عملیاتی کنند. معاهده می‌تواند عامل مهمی برای همکاری دو کشور باشد و این از منافع معاهده برای هر دو کشور است. در حال حاضر افغانستان غیر از ایران و رود هیرمند، با هیچ کدام از کشورهای همسایه‌اش برای سایر رودخانه‌های مرزی خود، قراردادی ندارد و این می‌تواند موجب اختلاف‌های دائمی بین آنها بشود. من در اهمیت و نقش معاهدات دوجانبه در رودخانه‌های مرزی یک نکته و مثال واقعی را مطرح می‌کنم. ما در مورد رودخانه ارس، با شوروی سابق قراردادی با سابقه نزدیک به صد ساله (۱۹۲۱) داریم. براساس این قرارداد طی پنجاه سال گذشته از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰، پنجاه اجلاس سالانه برای بهره‌برداری مشترک از سد ارس و نیروگاه‌های برقایی ارس و میل - مغان بین ایران و شوروی سابق و پس از